



جاودانگی راه امام

## رمز بقاء انقلاب (۳)

قسمت سیزدهم

حجة الاسلام والمسلمین اسد الله بیات

### مسئولیت روشنفکران و جامعه شناسان و صاحبان قلم

پس حضرت امام سلام الله علیه به همین مقدار بسته نفرموده از موضع رهبری و امامت امت اسلام که خطر را بطور جدی مشاهده فرموده و شدیداً ملت اسلام را مخاطب قرار داده و هشدار می دهد و از بی اعتنائی به این نوع خطرات آنان را تحذیر فرموده و زیانهای آن را بیان می نماید و به روشنفکران جامعه و مورخان و جامعه شناسان و صاحبان قلم و بیاب خطرات فرموده و در مقابل این توطئه و خطر اساسی و جدی وظایف و مسئولیتهای آنان را مشخص می نماید. هشیاری و حضور در صحنه های مختلف، مردم را رهبرین قلمفرسایی و افشاگری و روشنگری آنان می داند و لذا می فرماید:

اینجانب در این وصیت نامه با اشاره می گذرم ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه شناسان و تاریخ نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند و آنچه گفته شده می شود که انبیاء علیهم السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته داری دنیایی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می کردند و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه ناسف آوری است که نتایج آن به ما می کشیدن منتهای اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خوبخوار است. زیرا آنچه مردود است حکومتهای شیطانی و دیکتاتوری و ستنگری است که برای سلطه جویی و انگیزه های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده اند جمع آوری نزوت و مال و قدرت طلبی و طاعت گرائی است و بالآخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می کردند از بزرگترین واجبات و افامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امروز لازم است. باید ملت بیدار و هشیار ایران با دید اسلامی این توطئه ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان معاهد به کمک ملت برخیزند و دست سبائین توطئه گروا قطع نمایند.

آری ملت ایران اسلامی با هشیاری و بیداری خویش می توانند ریشه های توطئه را بخشکانند و جلو تأثیر آنها را بگیرند و مردم ساده لوح و

سطحی نگر را از لغزش و خطا حفظ نمایند و بیش از همه صاحبان قلم و بیان است که می توانند با تحلیلها و تبیین های خودشان جزئیات انحرافی را افشاگری کرده و با در جریان قرار دادن مردم و احساس خطر که از ناحیه دشمنان اسلام و انقلاب همیشه آنان را مورد تهدید قرار می دهد مردم را آماده و مهیا ساخته و با حرکتهای مردمی و همگانی در موارد لازم افکار عمومی را بر علیه آن توطئه ها بسیج نموده و بصورت همیشه شرایط رشد و تأثیر آنها را منتفی نمایند بامید اینکه صاحبان قلم و از بناب جزایر از این حالت خودسانسوری که مرض مهلک و مزمن است بخود آیند و از این هشدار و بیداریاش حضرت امام علیه السلام مهر سکوت را بشکنند و بوظایف سنگین خودشان عمل نمایند. و مردم فداکار امام و انقلاب را در جزئیات گوناگون جهانی قرار دهند و این همه از کنار قضایا با مسامحه و تقیه عبور نمایند هر اندازه مردم در جریان امور قرار گیرند و نسبت به مسائل سیاسی اجتماعی و اقتصادی نامحرم تلقی نشوند همان اندازه در حضورشان در این صحنه مؤثر است و به همان اندازه توطئه دشمنان اسلام و انقلاب بی تأثیر و بی خاصیت است.

یکی از مهمترین ابزاریکه همیشه دشمن استفاده می نماید و شاید از مؤثرترین ابزارهایی بوده که تا کنون از آن استفاده کرده اند این است که مردم در جریان کارهای مسئولین نظام قرار نگرفته و بتدریج بین خودشان و مسئولین نظام و تدریجاً حسی با خود نظام فاصله ببینند و ندانند که در مقامات بالا چه میگذرد و چه نوع برنامه ها درباره مردم و دیگران دارند در چنین وضعیتی افراد خودشان را از نظام و مسئولین آن جدا دانسته و بیگانه می بینند و احساس خودی نمی کنند تا بمحض احساس حسی خطر جزئی از خود حساسیت نشان داده و در صدد دفاع و حمایت بر آن درآیند این وظیفه و مسئولیت که متوجه روشنفکران جامعه و صاحبان قلم و بیان است تنها در ارتباط با این توطئه خطرناک و مهم نمی باشد بلکه درباره تمامی توطئه ها که از ناحیه توطئه گران برای اسلام و مسلمانان عالم مطرح است و عمدتاً از عدم آگاهی و بی توجهی اکثریت افراد ساده لوح و سطحی نگر آنان به مقاصد شوم خودشان میسرند بر صاحبان قلم و زبان و جامعه شناسان و

مورخان و آگاهان جامعه لازم و واجب است در این باره وارد صحنه گردیده و زوی مسایل حساسیت از خود نشان داده و مزدم را در جریان کارها قرار دهند و خطرات ناشی از آن و مبادی و عوامل توطئه ها و خطرات را معرفی نمایند مستهین بخاطر اهمیت و فوق العادگی که این مطلب داشت و دارد و صاحبان قدرتها جانترانه در حلول قرنهاي متوالی در جا انداختن و پروراندن آن تلاشها و کوششهای فراوانی از خود نشان داده اند و مع الأسف در بعضی از افراد وابسته و ساده لوح نیز این تأثیر نبوده است و هنوز دشمنان خدا و بشریت آن را بعنوان یک حربه و وسیله هجوم به اسلام و ارزشهای اسلامی می دانند و قدر نوشته های خودشان روی آن مانور می دهند امام علیه السلام در این بند یک که بعنوان توطئه مهم تلقی فرمودند روی آن تاکید بیشتر نمودند و صاحبان قلم و جامعه شناسان و مورخان و گویندگان متعدد را مخاطب قرار دادند و از آنان خواستند از امکاناتیکه خدای عالم و خلق خدا در اختیارشان گذاشته است بسخو احسن استفاده کرده و در نوشته ها و کتابها و مقالات و بیانات خودشان که در مواقع مختلف واقع می شود و در اختیار مردم گذاشته می شود باین نوع مسایل بپردازند و ملتها را بالخصوص امت اسلام را در سراسر عالم آگاه سازند و هر روز و هر لحظه شیطنتها و موبذیگرهای آنان را افشاء گری کرده و بر ملا سازند.

### توطئه دوم

از آن جهت که در طول تاریخ دشمنان اسلام از اسلام و روحانیت ضربات کاری زیادی خورده اند و هر جا رفته اند و در فکر غارتگری و تاراج ذخایر ملتها افتاده اند با مقاومت و برخورد عالمان اسلامی و فرهنگ قوی و نیرومند اسلام روبرو گردیده اند و به همین دلیل هر جا که عالمان اسلامی رسیده اند و از فرهنگ اسلام و قرآن کمتر خیر و امدادی بوده باطنی استعمارگران و غارتگران بشری با خاطر جمعیتی و راحتی بیشتر به تاراج آن مردم فلک زده مشغول شده اند و لذا یکی از اهداف دراز مدت استعمارگری آنان این بوده از هر وسیله ممکن استفاده نمایند تا چهره اسلام نورانی و عالمان اسلامی را کریه و زشت معرفی نموده و در درجه اول نگذارند دوباره اسلام و قرآن در صحنه زندگی مطرح گردد و اگر نتوانستند و موضوع از دستشان در رفت و حرکت اسلامی رخ داد و عالم اسلامی با تکیه بر فرهنگ اسلامی توانست عالمی را بشوراند و ملتی را دور محوریت قرآن گرد آورد و نهضتی را در چارچوب اسلام و دین الهی رهبری نماید همه احزاب و گروههای مخالف گرد هم جمع شده و امینال و افکارشان رویهم می گذارند و بعنوان «الکفر ملة واحدة» بطور یکنواخت در مقابل آن نهضت می ایستند و اراده های خودشان را یکی می کنند و برای براندازی و متوقف کردن حرکت اسلامی بسیج می شوند و امروز که انقلاب اسلامی با امامت و رهبری پیامبرگونه حضرت امام خمینی علیه السلام معجزه وار به پیروزی رسیده و برخلاف انتظارات آنان ملت مسلمان ایران با تکیه بر اصول

اسلامی و با رهبری قائد راحلشان بدون کوچکترین وابستگی به یکی از قدرتهای جهانی حرکتی را آغاز کرده اند و به پیروزی رسانده اند که با تحلیل آنان در کمال تضاد بوده و به تمام معنی معادلات بین المللی را به هم زده است شگرد دیگری را آغاز کرده اند که اگر چه در حقیقت و معنی به همان توطئه و موبذیگری همیشه برمی گردد و می خواهند بگویند اسلام توان اداره جامعه امروز را ندارد و هر حرکتی در دنیای امروز شروع شود و به یکی از قدرتهای بزرگ جهانی تعلق نداشته باشد دیر و یا زود شکست خورده و ضعف و ناتوانی خودش را در مقابل مشکلات نشان خواهد داد و لذا با کمالات و وقاحت و ناجوانمردانه از هیچ کوششی فرو گذار نکردند و از هیچ توطئه ای کوتاهی ننمودند و هر روز مانعی در مقابل این حرکت عظیم الهی بوجود آوردند تا در عمل اثبات نمایند که اسلام از اداره جامعه و خلق معضلات آن عاجز و ناتوان است و یکی از اهداف شوم و نامبارکشان از تحمیل جنگ و حصر اقتصادی و بلوکه کردن اموال مشروع ملت ایران در آمریکا و بانکهای جهانی و هجوم همه جانبه هوایی و دریایی و زمینی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و هزینه کردن میلیاردها دلار برای انزواء نظام اسلامی و جرات دادن به دشمنان اسلام و امثال اینها همه و همه برای این بود که در عمل نشان بدهند که اسلام اگر هم بتواند نهضتی را بوجود آورد و ملتی را در مقابل قدرتهای جهانخوار بسیج کرده و انقلابی را بوجود آورد نمی تواند آن را نگهداری نماید و در اداره جامعه با مشکلاتی روبرو خواهد شد که توان حل آنها را نخواهد داشت و قد خودش را در مقابل فشار سختیها ختم خواهد کرد و بالاخره در عمل بار مثنی از خود نخواهد توانست نشان داده و نتایج قابل عرضه و دفاعی را نمی تواند داشته باشد. شاهد قضیه، تجربه عینی و عملی است که در انقلاب اسلامی ایران برای الهیگان واضح و آشکار است می خواهند بگویند انقلاب اسلامی در طول این چند سال پس از پیروزی، در ایران چه کرده است و چه نتایج عظیم و قابل دفاعی عرضه نموده است؟ آیا وضع اقتصاد بهتر شده است؟ آیا وضع صنایع ریزو به بهبود است؟ آیا وابستگی به کشورهای بزرگ جهانی و تولیدی قطع شده است؟ و آیا وضع امور کشاورزی و تولیدات آن افزایش یافته است؟ صادرات و واردات چگونه؟ امکانات خدماتی و رفاهی چگونه و دهها سؤال دیگر که مودیان مطرح نموده و با چند علامت سؤال در تلاش هستند این ذهنیت را بوجود آورند که انقلاب اسلامی در عمل موفق نبوده است و دستاوردهای مطلوب و مفیدی نداشته است و مترجم انقلابی را به سامان نرسانده است و هنوز مشکلات آنان لاینحل مانده است.

بنابراین دنیا نباید در فکر انقلاب اسلامی بیافتد و اگر ملتها بخواهند حرکتی را آغاز کنند راهش این است که به یکی از قدرتهای بزرگ جهانی چه غربی و یا شرقی متصل گشته و از آنان مدد بگیرند و جزء اعماریکی از آنان گردند تا بتوانند روی پای خودشان بایستند و انقلابشان را حفظ و نگهداری نمایند و بدون تعلق و وابستگی به یکی از آنان نمی توانند اگر هم

انقلاب کرده باشند آن را حفظ نمایند. بدون شک و تردید اگر این انقلاب اسلامی با اتکاء به یکی از قدرتهای جهانی صورت پذیرفته بود ولو اینکه هیچگونه موفقیت و دستاوردی هم نداشت و هیچکدام از مشکلاتی که برای این انقلاب فراهم آوردند برای آن پیش نیامده بود بصورت یکصدا و با هیاهو از آن حمایت و تبلیغ می کردند و با نوع تبلیغاتی خودشان گوش جهانیان را پر می نمودند، اما از آن جهت که این انقلاب با تحلیلهای آنان جور در نمی آید و معادلاتشان را کلاً بهم زده است و سیاستهای جهانی را سردرگم و سیاستمداران حرفه ای را گیج ساخته است و قدرتی را در مقابل تمامی قدرتهای بزرگ بوجود آورده است و الآن بصورت یک خطر هم بالفعل و هم بالقوه برای آنان مطرح است، تصمیم گرفته اند واقعیات و حقایق غیرقابل انکار را نادیده گرفته و روی آنها خط قرمز بکشند و با دروغ پردازی و قلب حقایق بخورد مردم بدهند که انقلاب اسلامی کاری نکرده است و هر روز زرمزه ای در گوشه و کنار کشور براه اندازند و ارگانها و نهادهای ارزشمند انقلاب اسلامی را زیر سوال برده و درباره اثرات و برکات وجودی آنها ایجاد شبهه نمایند در صورتیکه اگر با دید انصاف به موضوعات نگاه می کردند و از عناد و لجاجت دست برمی داشتند و وضعیت دوران طاغوت را با وضعیت دوران جمهوری اسلامی مقایسه می کردند و این همه مشکلات را که از ناحیه خود آنان بر نظام نوپای اسلامی ما تحمیل شده است هم می دیدند به روشنی به عظمت و موفقیت این انقلاب اسلامی باور و اعتراف می نمودند و قضاوت می کردند با همه تنگناها و موانع که در مقابل این انقلاب بوده است نتایج زیادی هم داشته است، اگر با دید انصاف و با معیار درست دوران انقلاب اسلامی را با دوران قبل از پیروزی آن مقایسه نمایند و روی تفاوتها انگشت بگذارند خواهند دید اگر چه از عمر این انقلاب خیلی نمی گذرد و هزاران مشکل و مانع در مقابلش نامحرمان فراهم آورده اند و در عین حال آنقدر اثرات و برکات داشته است بر کسی پوشیده نیست در این مقوله از امام ائمت سلام الله علیه بشنویم:

«ج. و از همین قماش نوطه ها و شاید مودبانه تر شایه های وسیع در سطح کشور و در شهرستانها بیشتر بر اینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شغف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت رهایی یابند، گرفتاری یک رژیم بدتر شدند، مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف تر شدند زندانها پر از جوانان که امید آنیه کشور است می باشد و شکنجه ها از رژیم سابق بدتر و غیر انسانی تر است، هر روز عده ای را اعدام می کنند به اسم اسلام، وای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی گذاشتند این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است مردم در رنج و زحمت و گرانای سرسام آور غوطه می خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می کنند، اموال مردم مصادره می شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجراء می شود و دلیل

آنکه نقشه و نوطه در کار است آنکه هر چند روز یک امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سرزبانها می افتد. در نا کسی ها همین مطلب واحد و در اتیوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می شود و یکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف می شود و مع الأسف بعض روحانیون که از حیل های شیطانی بی خبرند با تماس یکی دو نفر از عوامل نوطه گمان می کنند مطلب همان است و اساس مسئله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می شنوند و باور می کنند اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاری های عظیم اجتناب ناپذیر آن ندارند. چنانچه اطلاع صحیح از تحولات که همه به سود اسلام است ندارند و چشم بسته و بی خبر اتمال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته اند.

اینجانب توصیه می کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کنونی و مآلتهایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می گذشته است و قبل از توجه به گرفتاری های این کشور طاغوت زده از ناحیه رضاخان و بدتر از آن محقدرها که در طول جفا و لگری هایشان برای این دولت به ارت گذاشته اند، از وابستگی های عظیم خاستمان سوزنا اوضاع وزارتخانه ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عباسی و مغازه های مسکرات فروشی و ایجاد بی بندوباری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستانها و دانشگاهها و اوضاع سینماها و عشرتکده ها و وضعیت جوانها و زنانها و وضعیت روحانیون و مستدینین و آزادی خواهان مستعهد و بانوان عقیقت ستم دیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پرونده اعدام شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی به زندانها و کیفیت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه داران و زمین خواران بزرگ و محتکران و گران فروشان و رسیدگی به دادگستری ها و دادگاه های انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال تشابندگان مجلس شورای اسلامی و اعضاء دولت و استانداریها و سایر مأمورین که در این زمان آمده اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهاد سازندگی در روستاهای محروم از همه مواهب حتی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان میلیونی و خانواده های شهدا و آسیب دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و نوطه های بی دری آمریکا و وابستگان خارج و داخلش، اضافه کنید فقدان مبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و قاضی شرع و هرج و مرج هایی که از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتی دوستان نادان در دست اجراء است و ده ها مسائل دیگر».

آری! این انصاف نیست انسان بدون توجه به موانع کار و هزاران مشکل و سدهائی که از ناحیه مخالفان بوجود آمده و بی دری در حال بوجود آمدن می باشد قضاوت نموده و بکطرفه حکمرانی نماید و بدون توجه به شرایطی که در دوران نظام طاغوتی بوده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمامی آنها



را آنطور که هست نمی بینند.

از زبان امام انقلاب اسلامی، دیبالة مطلب را می شنویم:

«تفاها این است که قبل از آشنایی به مسائل به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال سنگبری قلدرها و جهل نوده ها امروز طفلی تازه با ولیده ای است محفوف به دشمن های خارج و داخل رحم کنید و شما اشکال تراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر نیست به جای سرکوبی به اصلاح و کمک بکوشید و به جای طرفداری از منافقان و ستم گران و سرمایه داران و محنکوران بی اتصاف از خدا بی خیر، طرفدار مظلومان و ستمدیدگان و محرومان باشید و به جای گروه های آشوب گرو و تروریستهای مفسد و طرفداری غیرمستقیم از آنان نوجهی به ترورشدگان از روحانیون مظلوم تا خدمتگزاران متعهد مظلوم داشته باشید؟»

اینجانب هیچگاه نگفته و نمی گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی انصافی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی کنند، لکن عرض می کنم که فوه مقلنه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می کنند و ملت ده ها میلیون نیز طرفدار و مددکار آنان هستند و اگر این اقلیت اشکال تراش و کارشکن به کمک بشنابند تحقق این آمال آسان تر و سریع تر خواهد بود و اگر خدای بخواسته اینان به خود نایند، چون نوده میلیون بیدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است آمال انسانی اسلامی به خواست خداوند متعال حائمه عمل به طور چشم گیر خواهد پوشید و کجروان و اشکال تراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند.»

ادامه دارد

زیادتی رفته و شرایط نوینی فراهم شده است و با این همه توانسته است در مراحل زیادی پیشرفتهای چشمگیری بوجود آورده و قدمهای بزرگی بردارد و بلند و اهداف خویش را تحقق بخشد و زمینه حرکتهای وسیع جهانی را در سراسر عالم فراهم نموده و قدرتی را با ارزشهای جدید و نو و مکتبی را صورت یک نظام و سیاست مطرح سازد در اظهار نظرها راه خطا پیموده و موفقیت های انقلاب اسلامی را نادیده بگیرد اگر چه هنوز آغاز کار این نظام نوپا است و با توجه به تنگناها نتوانسته است در ابعاد مختلف که باید در شرایط مناسب به آنها لیاست عمل بیوشاند با هداقت نایل آید.

در عین حال این انقلاب اسلامی در یک دهه به اعتقاد ما ره صدساله پیموده است و راههای زیادی را گذشته است و از موانع فراوانی گذشته است و با کمال قدرت و صلاحیت به حرکت بسوی اهداف بلند خویش ادامه می دهد؛ انصاف در قضاوت این است که مقایسه میان حال و گذشته نیست صورت بگیرد و از وضعیت و امکانات فراوان گذشته و موانع و تنگناهای الان که از گذشته ارث رسیده و از ناحیه دشمنان نیز تحمیل گردیده است، غفلت بعمل نیاید و همیشه با دید منفی و سوءظن به مسایل و جزئیات نگاه نشود. اگر در این حرکت الهی فشارها و نیشهایی وجود دارد، از آنها و نیشهایی هم که فراوان است نیز وجود دارد. اگر محدودیتها و کمبودها وجود دارد، روحیه مقاومت و صلاحیت و قاطعیت برخوردار با دشمنان خدا هم وجود دارد. چقدر بی انصافند آنانی که از انقلاب اسلامی فقط جهات منفی و سلبی آن را می بینند و از جهات خیر و برکات آن - که دوست و دشمن هر دو به آن اعتراف دارند و اگر انصاف داشته باشند همه اعتراف خواهند کرد- تغافل می نمایند و حقایق و واقعیات انقلاب اسلامی

### شروع نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### غیبه از نزول فیض الهی

اینکه به قاریان و تالیان قرآن و حملة قرآن گفته می شود: بخوانید و بالا بروید یعنی هر آنچه در دنیا خوانندید، در آخرت ظهور می کند و پاداشش را می گیرید و درجات بهشت به عدد آیات قرآن کریم است و بین هر درجه و درجه دیگر گفته اند پانصد سال راه دارد و منزلی که در بهشت به یک مؤمن می دهند در جوامع روانی ما آمده است که اگر همه اهل دنیا بخوانند می توانند در آنجا جای بگیرند و باز هم جا دارد. تازه این درجه یک مؤمن عادی است چه رسد به انسان کامل.

پس این کتاب سماوی و قرآن بحری است ناتمام و این دریای بیکران برای تهذیب قلوب است و اگر دلها و قلوب محدود باشد که آب نامحدود نمی فرستد، بنابراین در بین انسانها کسانی هستند که دلهاشان نامحدود است و حتی اگر همه علوم و معارف به آنها داده شود، بنابر جایز است «ام الكتاب» وجود دارد. این راه را خداوند فراراه انسان گذاشت که خود را به باطل و زبرد نفروشد و به آن دیار بی نام و نشان و غیرمحدود سفر کند.

ادامه دارد

و محمول دارند، قرار ندارد. علوم حقه اگر بلا واسطه از سوی خدای سبحان دریافت شد، می شود علم «الدنی». آنجا دیگر سخن از لفظ نیست، سخن از کلمه و موضوع و محمول نیست، سخن از تصور و تصدیق نیست، سخن از علم حصولی نیست، آنجا حضور است و لا غیر. و لذا علم لدنی هرگز اشتباه و خطا نمی پذیرد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همانطور که از این قرآن بهره دارند، از آن «کتاب مکتون» و از «ام الكتاب» که «لدنی الله» است هم بهره دارند. همانگونه که ما به این اقیانوس بزرگ می گوئیم: وقتی در تاسمان است آب است ولی وقتی بزمین آمد اقیانوس می شود، قرآن کریم وقتی بالا است، حسد و مززد ندارد و وقتی پائین آمد دریا و اقیانوس می شود. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام به ابن حنفیه می فرماید: «اقرأ و ارقاء» - قرآن را بخوان و بالا رو.